

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان گزارش:

**تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و راهکارهای
حقوقی پیش رو**

نام گروه: حقوق بین الملل

کارشناس: دکتر توکل حبیب زاده

ناظر علمی:

ویراستار تخصصی: محمد نیک فرجام

واژگان کلیدی:

شماره مسلسل: ۹۱۱۱۳۰۰۱۵

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۱/۳۰





فهرست

سخن نخست ۴

مقدمه ۵

راهکار حقوقی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحریم‌ها ۷

شرایط اقدام متقابل ۱۱





سخن نخست

پژوهشکده مجازی حقوق سازمان بسیج حقوقدانان کشور با رویکرد بهره‌برداری از ظرفیت‌های علمی و تخصصی جامعه علمی و بسیجی کشور در جهت جنبش‌نرم‌افزاری و تولید علم در موضوع حقوق و رشته‌های وابسته در فروردین ۱۳۹۱ تشکیل گردید. این پژوهشکده در نظر دارد که با رصد نیازهای علمی و پژوهشی و با شبکه‌سازی منابع انسانی (اساتید، دانشجویان و پژوهشگران) به سمت مطالعات دانش‌بنیان و کاربردی متناسب با سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و منویات مقام معظم رهبری، در قالب تولید محتوی علمی (کتاب، مقاله، نشریه^۱، گزارش تحلیلی و...)، برگزاری نشست‌های علمی - تخصصی، همکاری‌های علمی و کارگاه‌های آموزشی گام بردارد.^۲ هم‌اکنون پژوهشکده در گروه‌های تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، حقوق خصوصی، حقوق عمومی، فقه حکومتی و حقوق بین‌الملل فعالیت دارد. پژوهشکده جهت همکاری علمی و پژوهشی از تمامی اساتید و پژوهشگران محترم جهت نیل به اهداف علمی و عضویت آنان در سامانه پژوهشکده دعوت می‌نماید. امید است که با تلاش و مجاهدت علمی جامعه علمی و متعهد حقوقدانان کشور بتوانیم نقش موثری در تولید علم بومی داشته باشیم.

قائم مقام پژوهشکده مجازی حقوق

امین ا... زمانی



۱ - مجله علمی - تخصصی پژوهش‌های فقهی - حقوقی

۲ - مجموعه تولیدات، عملکرد و برنامه‌ها در سایت پژوهشکده به نشانی www.basijlaw.ir قابل دسترسی می‌باشد. که از جمله آن می‌توان به موارد

ذیل اشاره کرد:

- (الف) تولید نرم‌افزارهای آموزشی در رشته‌های مختلف حقوق
- (ب) برگزاری نشست‌های تخصصی و علمی با حضور اساتید و اصحاب رسانه
- (ج) برگزاری دوره آموزشی فقه حکومتی با حضور آیت‌ا... کعبی
- (د) برگزاری همایش ملی بازخوانی فقهی - حقوقی نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران
- (و) تولید بیش از پانزده گزارش تحلیلی علمی در موضوعات مختلفی حقوقی
- (ز) انتشار فصلنامه علمی - تخصصی پژوهش‌های فقهی - حقوقی
- (ک) تألیف کتب و مقالات مرتبط با رشته‌های مختلف حقوق





«تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و راهکارهای حقوقی پیش رو»

مقدمه

تحریم اقتصادی یکی از شیوه‌های اقدام غیرنظامی سازمان ملل متحد به موجب ماده ۴۱ منشور بر علیه کشوری است که صلح و امنیت بین‌المللی را، البته به تشخیص و احراز شورای امنیت، تهدید و یا نقض نموده باشد. بنابر این لازم است بین تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت و تحریم‌های یک جانبه دولت‌های غربی تمایز قایل شویم.

در خصوص تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل لازم به ذکر است که در قطعنامه‌ی دومی که علیه ایران صادر شد، شورای امنیت بدون آن که به موجب ماده ۳۹ منشور، از وضعیت پیش رو ارزیابی داشته و یکی از آن سه وضعیت تعریف شده در ماده مزبور را احراز کند، مستقیماً به موجب ماده ۴۱، اتخاذ تصمیم و تحریم‌هایی را وضع نمود. می‌توان روی همین موضوع تمرکز کرده و به گونه‌ای مشروعیت این قطعنامه را زیر سوال برد. زیرا در این قطعنامه وضعیت تهدید علیه صلح به خاطر فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران احراز نشده است و به نظر می‌رسد بدون احراز این وضعیت، شورای امنیت نمی‌تواند به طور مشروع قطعنامه‌ی را بر مبنای ماده ۴۱ صادر کند؛ اگر از این بحث ظریف حقوقی صرف نظر کنیم، بدیهی است تحریم‌های شورای امنیت را باید تحریم‌های قانونی تلقی کرد، اگر چه به لحاظ موازین حقوق بین‌الملل بشر می‌توان ایراداتی بر عملکرد کمیته تحریم شورای امنیت در نحوه





تفسیر و اجرای قطعنامه‌ها وارد کرد؛ چرا که شورای امنیت خود نیز ملزم به رعایت موازین حقوق بین‌الملل است، به ویژه این که بعد از قضیه کادی در برابر دیوان دادگستری اتحادیه اروپا روشن شد که اقدامات شورای امنیت می‌تواند در مراجع قضایی مورد ارزیابی حقوقی قرار بگیرد.

موضوع اصلی ما بحث تحریم‌های یک جانبه‌ای است که فراتر از قطعنامه‌های شورای امنیت توسط برخی از کشورها علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال شده است. تحریم‌های یک جانبه کشورها را می‌توان به دو بخش تحریم‌های اولیه و تحریم‌های ثانویه تقسیم کرد، زیرا با دو رویکرد متفاوت باید آن‌ها را تحلیل کرد. این موضوع ارتباط بین تحریم‌های اقتصادی و مسئولیت بین‌المللی را به میان می‌کشد، بدین ترتیب که با عنایت به این که نهادهای بین‌المللی به ویژه شورای امنیت به عنوان متولی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، در خیلی از موارد نمی‌توانند با برخی از اقدامات دولت‌ها مقابله جدی داشته باشند، برخی از کشورها به طور یکجانبه وضعیت پیش رو را ارزیابی و اقداماتی را اتخاذ می‌کنند که با تعهدات بین‌المللی آن‌ها مغایرت دارد.

در مورد فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، هم شورای امنیت ارزیابی خاص خود را به عمل آورده و برای مقابله با آن تصمیماتی مبنی بر تحریم مالی و اقتصادی اتخاذ نموده است، و هم دولت‌های دیگر طبق تحلیل‌ها و در راستای منافع خود و ظاهراً در واکنش به اقدام اولیه یعنی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تحریم‌های یکجانبه‌ای را فراتر از قطعنامه‌های شورای امنیت وضع و اجرا کرده‌اند. در حالت اخیر به ویژه هنگامی که این دولت‌ها بدون توجه به موازین حقوق بین‌الملل و با در





پیش گرفتن رفتارهای دوگانه در موضوعاتی همچون خلع سلاح هسته‌ای و حقوق بشر اقدامات غیرقانونی در قالب تحریم‌های اقتصادی انجام می‌دهند، دولت‌های متضرر و زیان‌دیده (جمهوری اسلامی ایران)، چاره‌ای ندارند جز اینکه به عنوان ضمانت اجرا به اقداماتی موسوم به «خودیاری» متوسل بشوند.

راهکار حقوقی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحریم‌ها

در شرایط کنونی که کشورهایی به بهانه‌های مختلف و با رفتارهایی خلاف مقررات بین‌المللی برخی حقوق مسلم ایران را نادیده گرفته و تحریم‌هایی اقتصادی و مالی یک جانبه شدیدی را اعمال کرده‌اند، آیا جمهوری اسلامی می‌تواند در مقابله با آن، اقدامات متناسبی اتخاذ بکند یا خیر؟

اگر مفروض این باشد که نهادهای بین‌المللی ذیربط در قبال اقدامات یکجانبه و فراقانونی برخی کشورها ناتوان و یا مایل به انجام وظایف خود نیستند، علی‌الظاهر جز خودیاری و توسل به قواعد عرفی مسئولیت بین‌المللی، راهکار حقوقی دیگری متصور نیست. در صورتی که بپذیریم نقض تعهدی علیه کشور ما صورت گرفته است، اقدامات متقابل متناسب با آن چند شکل می‌تواند داشته باشد:

۱. گاهی اوقات اقدامات متقابل، جنبه غیردوستانه‌ای دارد که از آن، تحت عنوان معامله به مثل^۳ نام می‌برند؛ یعنی اقدامی که فی‌نفسه غیرقانونی

³ Retortion or Retorsion





نیست اما غیردوستانه است مانند عدم رعایت مقررات نزاکتی در روابط دیپلماتیک دوجانبه در واکنش به اقدام قبلی دولت مورد نظر.

۲. اما نوع مصطلح اقدامات متقابل، اقداماتی است که بدون سبق نقض اولیه تعهدی، خود یک اقدام غیرقانونی محسوب می‌شود، اما در واکنش به یک کنش غیرقانونی طبعاً وجه قانونی به خود می‌گیرد. امروزه از این اقدامات، تعبیر به «اقدام متقابل»^۴ می‌شود.

بیشتر تحریم‌های شدیدی که علیه جمهوری اسلامی صورت گرفته، تحریم‌های یک جانبه است که با نقض برخی تعهدات بین المللی کشورهای وضع کننده در قبال مردم ایران همراه بوده است و جنبه ترمیمی هم ندارد؛ یعنی اینگونه نیست که جمهوری اسلامی ایران مرتکب نقض تعهداتی در قبال آنها شده باشد و این کشورها با وضع و اجرای این تحریم‌ها قصد ترمیم صدمات وارده و اصلاح رفتار ایران برآمده باشند. از طرف دیگر، در مجامع بین المللی مربوط به ویژه آژانس بین المللی انرژی اتمی، غیرقانونی بودن فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه هسته‌ای به اثبات نرسیده است. به عبارت دیگر، هنوز آژانس انحراف در فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سوی فعالیت‌های نظامی را احراز ننموده است. ضمن آن که با توجه به جلب توجه شورای امنیت به پرونده هسته‌ای ایران از سوی آژانس، و تصویب چند قطعنامه با هدف اعمال تحریم‌های اقتصادی از سوی این شورا، دیگر جایی برای اقدام یک جانبه کشورها باقی نمی‌ماند.

⁴ Counter measure





ممکن است گفته شود که تحریم‌های بین‌المللی اعمال شده توسط کشورهای غربی به صورت عدم برقراری مراودات تجاری، پولی و مالی بوده و الزامی برای داشتن روابط اقتصادی و تجاری در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که بتوان ادعای نقض تعهد از سوی آن کشورها نمود. این استدلال در نگاه اول درست و منطقی جلوه می‌کند. اما به دو دلیل مخدوش به نظر می‌رسد.

اول آن که با توجه به تحولات حقوق بین‌الملل بشر و شکل‌گیری قواعد بنیادین موسوم به قواعد آمره که در هیچ شرایطی قابل تخطی نیستند، کشورها نمی‌توانند به تبعات اقدامات به ظاهر قانونی خود بی‌تفاوت باشند. حتی اگر تحریم‌های یک‌جانبه کشورهای مورد نظر را در قالب اقدامات متقابل و واکنش به اقدام اولیه جمهوری اسلامی ایران ارزیابی نماییم، حقوق اساسی بشر نمی‌تواند موضوع این گونه اقدامات قرار بگیرد (بند ۵ ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹). تحریم‌های یک‌جانبه کشورهای غربی به ویژه آمریکا حتی به حوزه دارو که برای سلامت مردم ضروری بوده و در نتیجه با حق حیات به عنوان یکی از مصادیق قواعد آمره مرتبط است، تسری یافته است. همچنین می‌توان از نقض حق حاکمیت دایمی بر منابع طبیعی در نتیجه این تحریم‌ها صحبت کرد که عملاً ملت ما را از دسترسی به منافع حاصل از منابع طبیعی خود محروم می‌کند، گذشته از آن که اصولاً هدف از وضع این تحریم‌ها جلوگیری از پیشرفت یک ملت در حوزه‌های جدید انرژی و رفاه اقتصادی، امنیتی و حتی اجتماعی است.





دوم آن که تحریم‌های ثانویه‌ای که امریکا اعمال می‌کند، صرفاً به معنی عدم برقراری روابط دوجانبه نیست، بلکه به صورت جلوگیری سایر کشورها از برقراری روابط با کشور هدف است.

پس به نظر می‌رسد تحریم‌های یک جانبه، چه اولیه و چه ثانویه، در تقسیم‌بندی تحریم‌های بین‌المللی جزء تحریم‌های تنبیهی^۵ قرار می‌گیرد. مسلماً تحریم‌های تنبیهی در حقوق بین‌الملل جایگاهی نداشته و قابل پذیرش نیست؛ زیرا با بودن نهادهای بین‌المللی ناظر بر صلح و امنیت بین‌المللی، و در شرایطی که این نهادها اقدامات شدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده‌اند، محلی برای تحریم‌های یکجانبه کشورهای دیگر نمی‌ماند. چه بسا تحریم‌های یک جانبه از حالت اولیه خارج شده و شکل ثانویه به خود بگیرد. مطمئناً تحریم‌های ثانویه‌ی یک جانبه، تحریم‌هایی تنبیهی است که کشورها در جهت تأمین اهداف خود به آن مبادرت می‌ورزند و اقدامات دولت امریکا را می‌توان در این دسته جای داد.

حال اگر مفروض این باشد که این تحریم‌های یک جانبه و ثانویه غیرقانونی بوده و جنبه تنبیهی دارد، باید دید که جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آن چه راهکارهایی پیش رو دارد. البته می‌توان در کنار تحریم‌های یکجانبه اولیه و ثانویه غرب، اقدامات دیگرشان را اضافه کرد؛ از جمله ترور دانشمندان هسته‌ای و بلوکه کردن اموال ایران توسط امریکا و بسیاری از اقدامات دیگر قابل ذکر است که علیه جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته

⁵ sanctions





است و مغایرت آن‌ها با برخی از اصول و قواعد بنیادین حقوق بین الملل روشن است.

از جمله راهکارهای پیش رو، اعمال برخی محدودیت در تردد کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز به عنوان اقدام متقابل است که به صورت زیر در قالب سئوالاتی توسط برخی حقوقدانان خارج از کشور و مسئولین مطرح شده است: آیا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند برای عبور کشتی‌های تجاری کشورهای مورد نظر از تنگه هرمز محدودیت‌های خاصی اعمال کند؟ ایجاد محدودیت در تردد کشتی‌های کشورهای خاص در تنگه هرمز می‌تواند اقدام متقابلی در واکنش به کنش اولیه آن کشورها تلقی شود. البته این اقدام باید از شرایط قانونی لازم برخوردار باشد و به محض این که آن کنش اولیه پایان یافت، متوقف شود.

شرایط اقدام متقابل

سه شرط اصلی برای قانونی بودن اقدام متقابل عبارتند از: اصل ضرورت، اصل تناسب و غیرنظامی بودن اقدام متقابل که می‌بایستی پس از درخواست مذاکره و تلاش برای حل اختلاف به طرق مسالمت آمیز صورت بگیرد تا خود اقدام متقابل، قانونی محسوب گردد.

آیا می‌توان ایجاد محدودیت در تردد کشتی‌های تجاری بعضی کشورها در تنگه هرمز را اقدام متقابل در نظر گرفت؟

تنگه هرمز محل تردد بسیاری از کشتی‌های نفتکش است. حدود چهل درصد نفت جهان از این تنگه عبور می‌کند. نیمی از این تنگه نیز جزء سرزمین جمهوری اسلامی ایران است. طبق کنوانسیون سال ۱۹۸۲ حقوق دریاها این





تنگه مشمول نظام عبور ترانزیتی است. قبل از کنوانسیون سال ۱۹۸۲ نظام حقوقی حاکم بر تنگه‌های بین المللی مانند دریای سرزمینی، نظام عبور بی‌ضرر بود که مفهوم کاملاً متفاوتی از عبور ترانزیتی است. در کنوانسیون ۱۹۸۲، عبور بی‌ضرر به یک قاعده قراردادی تبدیل شده است و بر این اساس کشور ساحلی می‌تواند به دلایل امنیتی موقتاً عبور بی‌ضرر را در دریای سرزمینی بدون تبعیض برای کشتی‌ها به حالت تعلیق درآورد. اما مفهوم عبور ترانزیتی از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک مفهوم قراردادی و نه عرفی اعلام شده است و از آنجا که ایران به عضویت این کنوانسیون در نیامده است، رعایت قواعد قراردادی آن برای ایران الزامی نیست. تفاوت مفهوم عبور ترانزیتی نسبت به عبور بی‌ضرر در همین است که در عبور ترانزیتی، تردد و ترانزیت کشتی‌ها تضمین شده است. طبق بند یک ماده ۳۸ کنوانسیون سال ۱۹۸۲ کلیه کشتی‌ها از حق عبور ترانزیتی برخوردارند و نمی‌توان مانع اعمال این حق شد. بدین ترتیب علی‌الظاهر ایران نمی‌تواند مانع تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز شود.

اما ایران این کنوانسیون را فقط امضاء کرده و هنوز به آن ملحق نشده است و در زمان امضای کنوانسیون هم به همراه عمان، کشور ساحلی دیگر این تنگه، اعلامیه تفسیری صادر و در آن عبور ترانزیتی را یک قاعده قراردادی محسوب نموده است، و شاید فلسفه عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون ۱۹۸۲ تاکنون همین اعلامیه تفسیری است که عبور ترانزیتی را صرفاً به عنوان یک قاعده قراردادی تلقی می‌کند. بنابر این، جمهوری اسلامی ایران، مفهوم عبور ترانزیتی را نپذیرفته است و لذا کشورهای دیگر نیز نمی‌توانند در مقابل ایران به آن استناد نمایند.





ایالات متحده امریکا هم مانند ایران عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیست؛ اما امریکایی‌ها مدعی هستند که عبور ترانزیتی به یک قاعده‌ی عرفی تبدیل شده و غیرقابل تعلیق است. اگرچه شاید بتوان قرآینی در تقویت موضع امریکا یافت، اما حداقل برای جمهوری اسلامی ایران این قرآین نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

خارج از کنوانسیون سال ۱۹۸۲، تنها قاعده عرفی حاکم بر تردد در تنگه‌های بین‌المللی، قاعده عبور بی‌ضرر است که آن را می‌توان به دلایل امنیتی در دریای سرزمینی تعلیق نمود. البته در سال ۱۹۴۹ در قضیه کانال کرفو، دیوان بین‌المللی دادگستری بین عبور بی‌ضرر در دریای سرزمینی و در تنگه‌ها تفاوت قائل شد و از رأی دیوان چنین استنباط می‌شود که حتی اگر قائل به حکومت قاعده عبور بی‌ضرر در تنگه‌ها باشیم، در این مناطق نمی‌توان عبور بی‌ضرر را مانند دریای سرزمینی به حالت تعلیق در آورد. با این وجود، حتی به موجب رأی کانال کرفو، در زمان تنش‌های بین‌المللی، هنگامی که برخی از کشورها اقدامات خصمانه‌ای مانند تحریم‌های یک جانبه ثانویه و جلوگیری از مراودات تجاری علیه کشور ساحلی تنگه بین‌المللی اتخاذ کنند، کشور ساحلی تنگه می‌تواند عبور کشتی‌های متعلق به این کشورها، اعم از کشتی‌های جنگی و تجاری، را تحت قاعده و نظم درآورد؛ اگرچه نمی‌تواند تنگه را بسته و برای مدت مدیدی مانع عبور از تنگه بشود. («تحت قاعده و نظم درآوردن» ترجمه کلمه «کنترل»^۶ است.) این حق در کنوانسیون ۱۹۸۲

⁶ control





پیش‌بینی نشده است، ضمن اینکه ایران نیز عبور ترانزیتی را قاعده قراردادی تلقی می‌کند که خود هنوز به آن نپیوسته است.

در واقع ایجاد محدودیت برای تردد برخی کشتی‌ها به عنوان اقدام متقابل، الزاماً به بستن کامل تنگه هرمز نمی‌انجامد؛ و جمهوری اسلامی ایران همچنان به قاعده عبور بی‌ضرر پایبند است. حتی اگر برای متوقف کردن یک کشتی اعمال زور لازم باشد، به نظر نمی‌رسد که این امر توسل به زور محسوب شود. خیلی باید سختگیرانه برخورد کنیم که ایجاد محدودیت برای تردد یک کشتی را که ممکن است یک حرکت پلیسی و انتظامی باشد، توسل به زور تلقی کنیم. زیرا این امر نیازی به اقدام نظامی ندارد، و فی نفسه غیرمتناسب نیز نخواهد بود؛ با توجه به اقداماتی که در حال حاضر علیه جمهوری اسلامی همچون تحریم نفتی شدید اتخاذ شده است، مطمئناً اعمال محدودیت در تردد چند کشتی را توجیه می‌نماید و غیرمتناسب با این تحریم‌ها نخواهد بود. البته این تناسب در مورد هر یک از کشتی‌های مورد نظر با توجه به رفتار قبلی کشور متبوع آن سنجیده می‌شود.

ممکن است گفته شود که این اقدام متقابل نوعی «محاصره دریایی» نسبت به کشورهای حاشیه خلیج فارس محسوب خواهد بود. اگر اقدامات متخذ به صورت بستن تنگه هرمز باشد، می‌تواند محاصره دریایی تلقی بشود که در حقوق بین‌الملل جایگاهی نداشته و از مصادیق تجاوز نظامی در قطعنامه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۴ است. اما نکته موضوع پیشنهادی نه بستن تنگه هرمز یا ایجاد محاصره دریایی بلکه اعمال برخی محدودیت‌ها به عنوان اقدام متقابل نسبت به تردد کشتی‌های متعلق به کشورهایی است که اقدامات غیرقانونی علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ





نموده‌اند. به هر حال اعمال تحریم‌های ثانویه، محروم کردن جمهوری اسلامی ایران از حق بنیادین توسعه، حق دانش هسته‌ای و... اقدامات غیرقانونی است که حق اقدام متقابل را برای کشور هدف به دنبال دارد. اقدام متقابل یکی از ضمانت اجراهای حقوق بین‌الملل است که بسیاری از کشورها به آن مبادرت می‌ورزند. اقدامات دولت امریکا در خارج از مرزهای آن‌ها در خیلی از موارد با استناد به اصل اقدام متقابل توجیه شده است. طرح مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص اقدامات متقابل کاملاً نکات فوق را تأیید می‌کند.

سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که آیا جمهوری اسلامی ایران از توان لازم برای اعمال محدودیت هر چند قانونی در تردد برخی کشتی‌ها در تنگه هرمز برخوردار است؟ بدیهی است هر گونه پاسخ به این سؤال موضوع دیگری است؛ اما در چارچوب این نوشتار و به عنوان راهکار حقوقی پیش رو، به نظر می‌رسد ایران از این حق قانونی برخوردار است که در مقابل تحریم‌های اولیه و به ویژه ثانویه‌ی دولت امریکا اقدامات متقابل متناسبی را اتخاذ نماید. کافی است مقالاتی که حقوقدانان امریکایی در سال‌های ۱۹۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ میلادی در واکنش به تحریم نفتی چهار پنج روزه اعراب در سال ۱۹۷۳ نوشته‌اند، ملاحظه شود.

از سوی دیگر، ضمن آن که ضرورت دارد مغایرت تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی امریکا و اروپا با اصول و قواعد بنیادین حقوق بشر مورد تحلیل قرار بگیرد، لازم است این نکته نیز مورد توجه باشد که جمهوری اسلامی به لحاظ حقوقی از حق اقدام متقابل به صورتی که بیان شد، برخوردار است. حداقل فایده بحث این است که برخی از مسئولین کشوری و لشکری به جای طرح



موضوع بستن تنگه هرمز در مواقع مقتضی، می‌توانند از ایجاد محدودیت در تردد بعضی کشتی‌های مورد نظر صحبت کنند.

نکته آخر قابل ذکر این است که تحریم اقتصادی آثار و تبعات مخربی برای اقتصاد کشور به دنبال داشته و یک تهدید بزرگ تلقی می‌شود. حقوقدانان غربی در تفسیر منشور ملل متحد و نیز ماده ۵۲ کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۱۹۶۹، اصل ممنوعیت «تهدید و توسل به زور» را تنها در زور نظامی خلاصه کرده‌اند. اما در اعلامیه‌ی پیوست کنوانسیون حقوق معاهدات، که متأسفانه علیرغم این که جزو لاینفک این کنوانسیون محسوب شده است، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد، همه موارد توسل به زور اعم از نظامی، اقتصادی و سیاسی به اقدام غیرقانونی محکوم گردیده است. بنابر این، تحریم اقتصادی هم به موجب این سند مشمول اصل منع توسل به زور و در نتیجه نقض تعهد در قبال جمهوری اسلامی ایران است.



والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

